اخبار کوتاه

آمر به معروف حتی نباید بایستد ببیند عملش تاثیر داشته یا خیر، چه رسد به اینکه بخواهد به کسی حمله کند

غلامرضا مصباحی‌مقدم می گوید: آمر به معروف حتی نباید بایستد و ببیند که این امر به معروفی که انجام داده اثر گذاشته یا نه؛ چه برسد به آنکه بخواهد به کسی توهین کند یا به او حمله کند.

غلامرضا مصباحی مقدم عضو مجلس خبرگان و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در واکنش به ماجرای ریختن ماست روی دختران به رویداد۲۴ می گوید: در آیات این جمله آمده که «وَلتَكُن مِنكُم أُمَّةٌ يَدعونَ إِلَى الخَيرِ وَيَأمُرونَ بِالمَعروفِ» که یعنی باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را دعوت به خیر کنند. پس امر به معروف دعوت به خیر است. یعنی گروهی باشند که برای مردم خیرخواهی کنند، به منظور گسترش خیر و نیکی در جامعه، عده‌ای مصمم، دلسوز و آگاه باشند نسبت به دعوت به خیر.مصباحی‌مقدم می گوید: وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر این است که اگر کسی انجام معروفی را فراموش کرده را به او تذکر دهند و اگر کسی منکری را انجام می‌دهد، به او نیز تذکر دهند. علاوه بر مردم، یک وظیفه‌ای هم بر گردن حکومت است که بسترسازی و پیاده کردن خیرات است؛ یعنی فراهم کردن شرایط برای هدایت شـدن مردم به سمت خیر است. او با بیان اینکه اولین گام آموزش و تبیین است، تصریح کرد: حاکمیت باید معروف‌ها، منکرها و زشتی‌ها را برای مردم روشن و مشخص کنند. معروف‌ها مسائلی هستند که برای مردم نیز خواستنی و شناخته شده است. مانند دعوت به راست‌گویی، امانت‌داری، صداقت و خیرخواهی. معروف یعنی هر کار خیری که عقل هم آن را خیر می‌داند و نهی از منکر یعنی هر آنچه که انسان‌ها آن را به طور فطری منکر و زشت می‌شناسند. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام می گوید: کار انبیا امر به معروف و نهی از منکر است. انبیا با دار و درفش با مردم روبه رو نشدند که آن‌ها را امر به معروف کنند و از روی دلسوزی با مردم رو به رو شدند و تمام همت‌شان این بود که مردم را به خیر دعوت کنند. عامه مردم فقط با زبان می‌توانند مردم را امر به معروف کنند. اقناع یعنی نشستن و گفتن و توضیح دادن. ضمنا امر به معروف تا آنجایی برای مردم تکلیف است که امکان اثر گذاری وجود داشته باشد و اگر احتمال اثر گذاری نمی‌دهد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. کسی که امر به معروف می‌شود فقط شنونده است و نیازی به جواب دادن ندارد و اگر تاثیر پذیرفت خودش آن معروف را انجام می‌دهد. آمر به معروف پس از تذکر حتی نباید بایستد و ببیند که این امر به معروفی که انجام داده اثر گذاشته یا نه؛ چه برسد به آنکه بخواهد به کسی توهین کند یا به او حمله کند.

◆

وزیر آموزش و پرورش استعفا کرد

رئیس جمهور با استعفای وزیر آموزش و پرورش موافقت کرد.

،در پی استعفای یوسف نوری از وزارت آموزش و پرورش، رییس جمهور با پذیرش این استعفا برای وزارت آموزش و پرورش سرپرسـت انتخاب کرد.به گزارش تجارت‌نیوز در پی استعفای یوسف نوری از وزارت آموزش وپرورش، سید ابراهیم رئیسی با پذیرش این استعفا، رضا مراد صحرایی رئیس دانشگاه فرهنگیان را با حفظ سمت به عنوان سرپرست وزارت آموزش و پرورش انتخاب کرد.پس از تاخیر در پرداخت حقوق اسفندماه ۱۴۰۱ فرهنگیان، رییس جمهور به معاون اول خود دستور داد تا علت این اتفاق مشخص شود. مخبر، معاون اول رییس جمهور نیز پس از بررسی موضوع اعلام کرد که وزارت آموزش و پرورش مقصر بوده اسـت.دهم فروردین اعلام شد که با مسئولان مقصر در تاخیر پرداخت حقوق فرهنگیان در سطح مدیران عالی آموزش و پرورش برخورد خواهد شد.

◆

اتاق مشترک بازرگانی ایران و عربستان به زودی تشکیل می‌شود

عضو هیات رییسـه اتاق بازرگانی ایران گفت: با پیگیری اتاق ایران به‌زودی اتاق مشـترک بازرگانی دو کشور راه‌اندازی می‌شـود و گام مفید برای پیش‌برد اهداف اقتصادی ایران و عربستان خواهد بود.

کیوان کاشفی در هشتاد و دومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی کرمانشاه، با اشاره به استقبال بخش خصوصی از عادی‌سازی روابط ایران و عربستان، اظهار داشت: عادی‌سازی روابط ایران و عربستان را اصلی‌ترین مسئله سیاسی و اقتصادی کشور طی یک ماه اخیر است. بر همین اساس به‌زودی با پیگیری اتاق ایران، اتاق مشترک بازرگانی ایران و عربستان تشکیل خواهد شد.عضو هیأت رئیسه اتاق ایران افزود: بخش خصوصی از این تعامل سازنده و مثبت بسیار استقبال می کند.وی این تصمیم سیاسی که نتایج آن بر اقتصاد کشور بسیار مثبت بوده را سازوکاری مفید دانست و ابراز امیدواری کرد: این تعاملات مثبت با کشورهای مختلف ادامه یابد.به گزارش مهر، رئیس اتاق بازرگانی کرمانشاه، برگشت آرامش به بازارهای مالی از جمله ارز و طلا و ثبات در این بازارها را دستاورد مثبت عادی‌سازی روابط ایران و عربستان دانست و خاطرنشان کرد: این امر نشان می‌دهد تصمیمات درست سیاسی تا چه اندازه می‌تواند بر اقتصاد کشور اثر بگذارد.کاشفی، با اشاره به اینکه ایران و عربستان، دو کشور بزرگ و مهم منطقه هستند، اظهار کرد: همکاری سیاسی و اقتصادی دو کشور زمینه‌ساز ثبات در منطقه است.وی با بیان اینکه بخش خصوصی نیز از هم‌اکنون اقدامات لازم را برای تعاملات اقتصادی با عربستان آغاز کرده است، ادامه داد: برنامه‌ریزی لازم از سوی اتاق ایران برای تعامل اقتصادی با عربستان و اتاق بازرگانی این کشور آغاز شده است.عضو هیأت رئیسه اتاق بازرگانی ایران با بیان اینکه عربستان از معدود کشورهای منطقه است که با آن اتاق بازرگانی مشترک نداریم، گفت: با پیگیری اتاق ایران به‌زودی اتاق مشترک بازرگانی دو کشور راه‌اندازی می‌شود و گام مفید برای پیش‌برد اهداف اقتصادی ایران و عربستان خواهد بود.کاشفی تصریح کرد: همچنین برنامه داریم بلافاصله بعد از بازگشایی سفارتخانه‌ها و مستقر شدن سفیران دو کشور، تبادلات هیأت‌های تجاری را آغاز کنیم.وی ادامه داد: عربستان سعودی، اقتصاد بزرگی است که تاکنون آنطور که باید از ظرفیت آن استفاده نشده است؛ به‌گونه‌ای که اوج تعاملات با عربستان در سال ۱۳۹۱ بود که ارزش آن از ۲۰۰ میلیون دلار فراتر نمی‌رفت.عضو هیأت رئیسه اتاق ایران از ظرفیت تراز تجاری ۳۰۰ میلیارد دلاری عربستان یاد کرد که می‌تواند طی سال‌های آتی بازار حداقل دو، تا سه میلیارد دلاری را پیش روی ایران قرار دهد.به گفته کاشفی، دو کشور در زمینه‌های مختلف نفت، گاز، پتروشیمی، دانش‌بنیان و . . . زمینه همکاری فراوانی دارند و باید از این ظرفیت‌ها استفاده کرد.

◆

هر جا حساسیت مسئولان نسبت به موی دختران از ارتشاء، اختلاس، زباله‌گردی بیشتر شده از عدالت دورتر شدیم

یک نماینده مجلس گفت: به جد معتقدم هرجا که حساسیت مسئولین نسبت به موی دختران از پدیده‌های ارتشاء، اختلاس، زباله گردی، بی عدالتی و ربا که در بانک‌های ما بیداد می کند بیشتر می‌شود، حتما و حتما ما از آموزه‌های واقعی دین اسلام، امامین انقلاب و گفتمان عدالت فاصله گرفته‌ایم.

معین الدین سعیدی، نماینده چابهار در مجلس درباره رفتار یک آمر به معروف با دو زن در شهر طرقبه گفت: در این که حجاب از احکام الهی است تردیدی وجود ندارد، اما این روش برخوردها چه سنخیتی با آموزه‌های دینی اسلام دارد؟ چه سنخیتی با رویه پیامبر اسلام که پیامبر رحمت است، دارد؟ چه سنخیتی با گفتمان رهبر انقلاب دارد؟ چه سنخیتی با دغدغه‌هایی که حاج قاسم سلیمانی نسبت به فرزندان این میهن که می گفتند دختران کم‌حجاب هم فرزندان ما هستند، دارد؟به گزارش رویداد۲۴، بخش‌هایی از گفت و گوی سعیدی را در ادامه می‌خوانید:آیا مفسده‌ای که با دیدن این صحنه‌ها و رفتارها دیده می‌شود خیلی بزرگ‌تر و بیشتر از اصل بی‌حجابی و بدحجابی نیست؟ من در عجبم رگ غیرت ما مسئولین در این مواقع متورم نمی‌شود؟چرا وقتی چنین برخوردهای زشتی را که با اصل آموزه‌های اسلام در تضاد است می‌بینیم باز هم ساکت می‌شویم؟ چرا به جای این که نهادهای فرهنگی و بسیاری از تریبون‌های مذهبی که این همه هزینه دارند بیایند پاسخ دهند که پاسخگویی هم ندارند، ما آمده‌ایم مردم را در برابر مردم قرار داده‌ایم؟ این رویکرد مطمئناً چالش‌های بسیار زیادی را ایجاد می کند.به جد معتقدم هرجا که حساسیت مسئولین نسبت به موی دختران از پدیده‌های ارتشاء، اختلاس، زباله‌گردی، بی‌عدالتی و ربا که در بانک‌های ما بیداد می کند بیشتر می‌شود، حتما و حتما ما از آموزه‌های واقعی دین اسلام، امامین انقلاب و گفتمان عدالت فاصله گرفته‌ایم.من خوشحالم از اینکه دستگاه قضایی ورود خوبی داشته و این فرد دستگیره شده است، اما مهم این است تریبون‌هایی که دارند حجاب را مترادف با عفاف می‌دانندو به افراد بی‌حجاب انگ‌های مختلف می‌چسبانند، بدانند قطعاً چنین مسائلی تکرار می‌شود.بانوان ما خیلی بهتر می‌دانند ما در یک کشور اسلامی قرار داریم و احکام اسلامی جاری و ساری است، اما اولویت‌های ما مخصوصاً مسئولین قطعا باید حوزه‌های معیشتی مردم باشد. هنگامی که سفره‌های مردم روز به روز کوچک می‌شود قطعا اولویت‌های بسیار مهم‌تری داریم که متاسفانه عملاً شاهدیم فضا و گفتمان‌ها را به سمتی می‌برند که حجاب را عملاً مسئله اول کشور کرده‌اند، در صورتی که بانوی ایرانی خودش بهتر می‌داند چگونه پوشش داشته باشد.صد البته باید با کسانی که ممکن است به صورت سازمان یافته با رسانه‌های معاند در تماس و از عوامل آن‌ها هستند برخورد شود، کسانی که به صورت سازمان یافته در تلاش هستند به امنیت ملی خدشه وارد کنند.اما من فکر می کنم اولویت مسئولین باید مسائل دیگری باشد و باید تمام تلاش‌مان برای حوزه‌های معیشتی مردم باشد. مجددا می گویم هر زمان احساس کردیم حساسیت مسئولین نسبت به موی دختران به مراتب بیشتر از پدیده‌هایی مانند بی‌عدالتی، زباله گردی، تورم، حقوق معلمان و کارگران شد مطمئن باشید ما راه را درست نرفته‌ایم و از مسیر واقعی عدالت دور شده‌ایم.واقعا برای من جای سوال است که فردی از همکاران ما مطرح می کند برای حجاب و بدحجابی جریمه ۳ میلیاردی در نظر گرفته شود در حالی که دیه یک انسان ۹۰۰ میلیون تومان است! این ادبیات شگفت انگیز است و هیچ مطابقت و نسبتی با واقعیت‌های جامعه ما ندارد و طبیعتاً جامعه ما هم نمی‌پذیرد.مضاف بر این که مطابق اصل نهم قانون اساسی چنین اختیاری به قانون‌گذار هم داده نشده که آزادی‌های مشروع جامعه را حتی با وضع قانون بخواهد دچار چالش کند از طرفی اگر قرار است ما فرجه بگذاریم برای دولت که ظرف ۲۴ یا ۴۸ ساعت این کار را انجام دهد طبیعتاً این اهرم نظارتی را باید بر حوزه‌های معیشتی بگذاریم.در آغاز سال نو مشاهده کردیم رهبری گفتند موضوع تورم به شدت باعث ناراحتی ایشان شده است و امسال را به نام سال مهار تورم و رشد تولید نام‌گذاری کردند.جامعه این انتظار را از نمایندگان خودش دارد که تبلور خاص اراده‌اش باشند که این انتظار به حقی است که ما اولویت‌های خودمان را بر بحث‌های اقتصادی و معیشتی بگذاریم نه اینکه با حرف‌های خودمان التهاب ایجاد کنیم.

من باز هم می گویم چنین رویکردهایی را در کنار نکته‌ای که شهید حاج قاسم سلیمانی درباره دختران‌های به زعم عزیزان بدحجاب فرموده بودند بگذاریم احسـاس می‌شود ما چقدر با گفتمان سردار دل‌ها فاصله گرفته‌ایم و چقدر با آنچه که رهبری در حوزه بانوان بدحجاب گفته‌اند، فاصله داریم.بازهم تکرار می کنم ابداً منکر این نیستم که موضوع حجاب جزو احکام الهی است، اما شما این را بگذارید در کنار ربا. قرآن ربا را در حکم محاربه با خدا دانسته است. اما مشاهده می کنیم که چقدر نظام بانکداری ما رَبوی است آیا ما حساسیت به این موضوع داشته‌ایم؟ آیا حساسیتی نسبت به پدیده زباله‌گردی در کشور داشته‌ایم؟ آیا حساسیتی در بحث توزیع ناعادلانه فرصت‌ها و منابع در نقاط محروم کشور و حاشیه‌نشینی داشته‌ایم؟ آیا حساسیتی درباره حقوق کارمندان، کارگران و بازنشستگان داشته‌ایم؟امسال علیرغم اینکه تورم بالای ۴۰ درصد را شاهد هستیم افزایش حقوق کارگران ۲۷ درصد اسـت و این یعنی این که مشخصا سفره مردم بسیار کوچک‌تر می‌شود. شما در کشورهایی که سال‌ها تجربه جنگ دارند را نگاه کنید این میزان از کاهش ارزش پول ملی را شاهد نیستید.در چنین شرایطی این کاملا انتظار به حقی است که مردم از نمایندگان خودشان دارند که به فکر مسائل معیشتی و اقتصادی باشند چرا که جایگاه ما صرفا و صرفا به وسلیه خواست مردم است، لذا روی این حساب معتقدم چنین رفتارها، صحبت‌ها و رویکردهایی بیشتر و بیشتر باعث ناراحتی مردم می‌شود.

نماینده رزن در مجلس مطرح کرد؛

دولت نه تنها ساختار بودجه را اصلاح نکرد، بلکه ساختار آن را هم مختل کرد

حسن لطفی گفت: آیا در دنیای پیشرفته الکترونیکی امروز، نباید همه هزینه‌های جاری کشور را از یک سامانه متمرکز پرداخت کنیم؟ همه پول‌ها و درآمدها باید در خزانه جمع شوند و هزینه‌های جاری کشور مثل حقوق‌ها از آن جا پرداخت شوند. اگر همین یک کار را دولت انجام بدهد، نه نیاز به سازمان برنامه و بودجه داریم و نه نیاز به سازمان اداری و استخدامی است.

لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، در آخرین لحظات سال ۱۴۰۱ به تصویب نهایی رسید، موضوعی که صدای برخی نمایندگان همسو با دولت را هم درآورد؛ به طوری که فاطمه محمدبیگی، نماینده قزوین در این رابطه به اقتصاد۲۴ گفته بود کمبود وقت در بررسی لایحه بودجه باعث شد نتوانیم بودجه را آن‌طور که و باید و شاید، پخته‌تر کنیم.

اما فارغ از این موضوع، پرسـش اصلی این است که دولت سیزدهم در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، روی به اصلاح ساختار بودجه که یکی از اصلی‌ترین مطالبات کشور است، آورد؟

حسن لطفی، نماینده رزن در این باره به اقتصاد۲۴ گفت: دولت سیزدهم نه تنها اصلاح ساختار بودجه را انجام نداد، بلکه ساختار قبل را هم مختل کرد. ما دو بودجه داریم؛ بودجه جاری و بودجه عمرانی. همه کارشناس‌ها و حتی خود دولتی‌ها می‌گویند که ۸۲ الی ۸۳ درصد سهم بودجه، به هزینه‌های جاری تخصیص داده می‌شود و نهایتاً ۲۰ درصد به بخش‌های عمرانی می‌رسد.

وی افزود: آیا در دنیای پیشرفته الکترونیکی امروز، نباید همه هزینه‌های جاری کشور را از یک سامانه متمرکز پرداخت کنیم؟ همه پول‌ها و درآمدها باید در خزانه جمع شـوند و هزینه‌های جاری کشور مثل حقوق‌ها از آن‌جا پرداخت شوند. اگر همین یک کار را دولت انجام بدهد، نه نیاز به سازمان برنامه و بودجه داریم و نه نیاز به سازمان اداری و استخدامی است.

سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: اگر این کاری که بنده اشاره کردم، انجام شود، بیش از ۸۰ درصد بودجه کشور که در بخش جاری هزینه می‌شود، ساماندهی خواهد شد، ولی دولت تاالان قدمی برنداشته است و نمی‌خواهد که حقوق‌ها را به صورت متمرکز پرداخت کند.

لطفی اظهار داشت: مجلس هر سال احکامی را در قانون بودجه تعیین می‌کند، ولی دولت به هیچ کدام تاامروز عمل نکرده است، چون در آخر، ابتکار عمل دست دولت است. ما سابقه این کار را داریم که اگر بخواهیم می‌توانیم کاری را انجام دهیم و مسیر نادرست را پایان و اصلاحات انجام دهیم، ولی دولت همکاری نمی‌کند. وی گفت: در حال حاضر سـازمان تامین اجتماعی حقوق ۳.۵ میلیون نفر را از یک سامانه پرداخت می‌کند یعنی هیچ استانی به تنهایی، خودش حقوقی پرداخت نمی‌کند. مردم در همه استان‌ها، کارهای بازنشستگی خود را انجام و اطلاعات را وارد سامانه می‌کنند، ولی پرداخت‌کننده که سازمان تامین اجتماعی کشور است از یک سامانه این کار را انجام می‌دهد.

نماینده رزن یادآور شد: پرداخت هزینه‌های جاری کشور در خزانه هم باید یک سامانه متمرکز داشته باشد. نباید این‌طور باشد که هر دستگاه، حقوق کارمندانش را بگیرد و بعد ببرد به آن‌ها پرداخت کند. ما می‌گوییم دولت سامانه متمرکزی درست کند و همه دستگاه‌های اجرایی را به آن وصل کند و مثلاً ۲۰ تا ۲۵ام هر ماه زمان بگذارد تا افراد هر تغییراتی که می‌خواهند روی سـایت اعمال کنند و ۲۵ تا ۳۰ام ماه هم کل حقوق‌ها پرداخت شود.

لطفی افزود: این روالی که من گفتم، انجامش اصلاً کار سختی نیست و باعث می‌شـود که از اسراف و حیف و میل شدن‌ها جلوگیری شود و سالیانه ۳۰ الی ۴۰ هزار میلیارد تومان به نفع دولت خواهد بود. پس از آن، می‌توانیم روی پروژه‌های عمرانی و زیرساختی بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم، ولی اینکه چرا دولت این کار را انجام نمی‌دهد قطعاً تعارض منافع در آن وجود دارد که عملی نمی‌شود.

وی در ادامه بیان کـرد: الان اگر این موضوع را به دولتی‌ها بگوییـم می‌گویند ما هزینه‌های جـاری را از خزانه پرداخت می‌کنیم. بله شاید همین‌طور باشـد، ولی به این صورت که اول هر دستگاهی جداگانه پولش را از سازمان برنامه و بودجه می‌گیـرد و بعد می‌برد خزانه و از آن‌جـا پرداخت می‌کند. ما می‌گوییم نباید به این صورت اجرا شود. پول‌ها در همان خزانه بماند و به طور مثال نمایندگان و همه دولتی‌ها از همان خزانه به صورت مستقیم حقوق بگیرند. باید همان‌طور که درآمدها به خزانه می‌آید، هزینه‌ها نیز از خزانه به صورت متمرکز پرداخت شود.

◆

قدرت خرید جامعه کارگری به حداقل رسیده است

مسئولان مدعی کمبود نیروی کار به دستمزد کارگران توجه کنند

دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین گفت: برخی مسئولان مدعی شده‌اند که برای ایجاد اشتغال کارگر کم است و نیروی کار ماهر وجود ندارد، در پاسخ باید گفت که چگونه یک کارگر در کارخانه مشغول به کار شـود که در ۳۰ روز با ۸ تا ۱۰ ساعت کار روزانه به او ۵ تا ۶ میلیون تومان حقوق بدون مزایا و ایاب و ذهاب پرداخت می‌شود؟

عیدعلی کریمی درباره وضعیت معیشتی جامعه کارگری شاغل و بازنشسته در سال ۱۴۰۱ گفت: امروز در شرایطی قرار داریم که بحرانی شدن بیشتر معیشت کارگران نگران کننده است و سالی که گذشت از سخت‌ترین سال‌ها برای کارگران شاغل و بازنشسته بود. قدرت خرید جامعه کارگری در حالی به حداقل تقلیل پیدا کرده که همواره بار نابسامانی و به‌هم‌ریختگی اقتصادی بر دوش کارگران و فرودستان است. وی با تاکید بر ضرورت تأمین امنیت شغلی و امنیت معیشتی برای کارگران گفت: معیشت، مسکن و درمان مطالبه جامعه کارگری است که لازم است دولت بدون دغدغه برای کارگران فراهم کند.به گزارش ایلنا، دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین گفت: با توجه به اینکه سال ۱۴۰۱ حقوق نسبت به سالهای گذشته بیشتر افزایش پیدا کرد اما به دلیلِ تورم بالا اثری در زندگی کارگران نداشـت.این فعال کارگری ادامه داد: سال گذشته برخـی واحدهای تولیدی برای کاهش هزینه‌های خود و به بهانه ناتوانی در پرداخت حقوق کارگران اقدام به تعدیل نیروی کار ایرانی و جذب کارگران اتباع بیگانه کردند. وی با بیان اینکه کارگران مظلوم‌ترین و آسیب دیده‌ترین اقشار جامعه هستند که تحمل گرانی‌ها را برای تامین مایحتاج روزانه خود ندارند، افزود: بدون شک دولت می‌داند که کارگران با دستمزد فعلی قادر به تهیه مواد غذایی نیستند و دستگاه ناظر بر بازار نباید اجازه مدیریت دلالان بر بازار و اقتصاد کشور را بدهد. او گفت: برخی مسئولان مدعی شده‌اند که برای ایجاد اشتغال کارگر کم است و نیروی کار ماهر وجود ندارد، در پاسخ باید گفت که چگونه یک کارگر در کارخانه مشغول به کار شود که در ۳۰ روز با ۸ تا ۱۰ ساعت کار روزانه به او ۵ تا ۶ میلیون تومان حقوق بدون مزایا و ایاب و ذهاب پرداخت می‌شود؟دبیر خانه کارگر با بیان اینکه تورم همانند اسب سرکش در بدنه اقتصاد ما جولان می‌دهد، افزود: بی‌تفاوتی به گرانی‌ها یک خطر جدی است و بحرانی شدن بیشتر معیشت کارگران هم نگران کننده است. آنچه باید برای کارگران در سال آینده انجام شود، تامین امنیت شغلی و معیشتی است. کریمی بیان کرد: متاسفانه در روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ با افزایش گرانی‌ها فشار به اقشار ضعیف بیشتر شد به‌طوری که اکثر کارگران و بازنشستگان با دستان خالی به استقبال سال نو رفتند.

◆

رییس سابق سازمان انرژی اتمی:

ناترازی انرژی به کمبود گاز، گازوئیل در نهایت کمبود برق منجر می‌شود

عضو کمیسـیون انرژی مجلس گفت: بعید اسـت که ستاد بهینه‌سازی با اوضاعی که پیش‌بینی شـده در سال آینده در ماموریت اصلی خود که بهینه‌سازی مصرف سوخت است تحول آن‌چنانی انجام دهد.

فریدون عباسی، عضو کمیسیون انرژی مجلس ی در مورد تغییرات بودجه بعد از ارائه برنامه هفتم توسعه توسط دولت گفت: کلاً هر تغییراتی را بخواهیم در آینده متصور شویم، باید نگاهی به دو برنامه قبلی داشته باشیم، همچنین توجه کنیم که چقدر از برنامه پنجم و ششم اجرا شده است.وی در ادامه مطرح کرد: یعنی برنامه‌ای خوب است که اجرا شود. ولی به هر دلیلی دو برنامه قبلی کامل اجرا نشده‌اند. ما امیدواریم که برنامه هفتم درست نوشته شود، چون به تاخیر خورده و یک جور شتاب زدگی وجود دارد. در این صورت ممکن است با شرایط کشور کاملاً تطبیق نداشته باشد.

این نماینده مجلس توضیح داد: البته تحولات خارجی نیز قابل پیش بینی نیست. بنابراین بر مبنای داده‌هایی که مطرح هستند، می توانیم یک برنامه‌ریزی دقیق داشته باشیم که باید دید برنامه هفتم به کجا می‌رسد. رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران در خصوص بحث انرژی در بودجه ۱۴۰۲ گفت: بحثی که در خصوص انرژی در بودجه مطرح است، به سهم شرکت ملی نفت از مسئله فروش نفت برمی‌گردد. به گزارش اقتصاد آنلاین، وی تصریح کرد: ما در سال‌های گذشته مقدار زیادی نفت فروختیم، اما سهمی که به شرکت ملی نفت تعلق می گیرد که بتواند خودش را اداره و سرمایه‌گذاری کند کافی نیست. ما سال‌ها عقب افتادگی انباشته در تامین هزینه‌های شرکت نفت به خصوص در سرمایه‌گذاری بالادستی داریم. در حوزه نفت و گاز این شرایط باعث می‌شود ما در رفع ناترازی انرژی با مشکل مواجه شویم که به کمبود گاز و به تناسب آن کمبود گازوییل و در نهایت کمبود برق در کشور برسیم.

عباسی در نهایت گفت: این مسئله را در حوزه انرژی باید در نظر بگیریم. از سوی دیگر به ستاد بهینه‌سازی مصرف سوخت باید توجه شود. باید دید در بودجه چه میزان برای معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در نظر گرفته شده و چه میزان در اختیار حوزه نفت است. این مسائل جای بحث دارد. بعید است که ستاد بهینه‌سازی با اوضاعی که پیش‌بینی شده در سال ۱۴۰۲ در ماموریت اصلی خود که بهینه‌سازی مصرف سوخت است تحول آنچنانی انجام دهد.

◆

بیراهه‌ای به نام ایرانیزه کردن مناطق آزاد

مجید صیادنورد، کارشناس مناطق آزاد می گوید: عملکرد دستگاه‌های دولتی و قانون گذاری موید یک واقعیت است؛ ماهیت و رویکرد مناطق آزاد به همراه برخی افراد، باید تغییر کرده و از این گردونه خارج شوند، چرا؟ چون ما چنین مناطق آزادی نمی خواهیم.

مناطق آزاد ایران در دهه ۸۰ به بعد در حالی به یک وصله ناجور در اقتصاد و مدیریت منطقه‌ای ایران تبدیل شد که «بین المللی‌ترین حوزه اقتصاد ایران» نام گرفته بودند و قرار بود شاهراه تجاری و مرکز توسعه کشور شوند.اما سوال اصلی این است که چرا مناطق آزاد ایران راه را به بیراهه رفتند؟

مناطق آزاد، تبعیدگاه مدیران

مجید صیادنورد، کارشناس مناطق آزاد گفت: اگر پیش از این مناطق آزاد عرصه حضور مدیران سوخته بود، ظرف سال‌های اخیر برای سوزاندن و حذف برخی مدیران، آن‌ها به این مناطق هدایت می‌شوند.

وی با اشاره به اهداف شکل گیری مناطق آزاد در کشور گفت: مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران در دهه دوم حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با دو هدف و رویکرد اصلی اجرای طرح‌های توسعه‌ای و زیرساختی از سوی سازمان‌های عامل خود و جذب سرمایه گذاران ایرانی خارج از کشور و یا سرمایه گذاران خارجی در سواحل خلیج فارس و مکران ایجاد شدند.

بیراهه‌ای به نام ایرانیزه کردن مناطق آزاد

به گفته این کارشناس مناطق آزاد، در اینکه دلایل ایجابی مناطق آزاد ایران با الگوهای موفق و عملیاتی شده جهانی متفاوت است، شکی نبوده و نیست، چراکه در مدل و مقیاس جهانی، مناطق آزاد جهت ۱. تسهیل و توسعه فرآیندها و جریان‌های تجاری و سرمایه گذاری، ۲. گسترش همکاری‌های بین المللی میان نقاط جغرافیایی نزدیک به یکدیگر به منظور تقویت توان اقتصاد داخلی در مسیر مواجهه با روندهای جهانی شدن اقتصاد از طریق تشکیل بلوک‌های اقتصادی مشترک، ۳. فراهم کردن شرایط جهت فرآوری تولیدات مشترک میان برندها و شرکت‌های بین المللی ۴. تولید محصول مشترک از سوی سرمایه گذاران چند کشور در یک منطقه خاص و در نهایت ۵. ایجاد الگویی از شهروندانی که در یک نقطه مکانی ملی زیست کرده، اما جهانی اندیشه و عمل می کنند؛ به وجود آمده و براساس کاروبژه اصلی خود که همان گسترش همکاری‌های منطقه‌ای است، اجرای کارکردهای پنج گانه فوق را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

صیادنورد افزود: آنچه باعث انحراف در فهم مفهومی تحت عنوان «مناطق آزاد تجاری صنعتی، کاروبژه و کارکردهای آن» ظرف سه دهه گذشته و رساندن این مناطق به وضعیت کنونی براساس موقعیت‌های قانونی تعریف شده؛ معطوف به این واقعیت است که مناطق آزاد را به زعم خود ایرانیزه کردیم، که براساس فهم متکی بر رویکرد فردی خاص (مرحوم هاشمی رفسنجانی) و دوره‌ای خاص (دوران بعد از جنگ که ایران نیازمند تکمیل خرابی‌های ناشی از جنگ و عقب ماندگی‌های خود بوده و دولت با کمبود بودجه‌ای مواجه بود) و سیاست خارجی خاص (تنش زدایی با همسایگان و کشورهای جهان بعد از دوران پرتلاطم دهه نخست جمهوری اسلامی)؛ مناطق آزاد در سپهر اقتصادی و مدیریتی کشور پدیدار شده و نضج گرفت.

نقطه افتراق مناطق آزاد ایران با مناطق آزاد جهان

این کارشناس مناطق آزاد در مورد دلایلی که مناطق آزاد را به حاشیه بردند، به اقتصاد ۲۴ گفت: نقطه افتراق مناطق آزاد ایران که آن‌ها را به چنین بن بستی رهنمون کرده، از عدم درک درست از مدل ایجابی، چرایی ایجاد و الزامات فعالیت جهت نیل به اهداف متصوره آغاز شد. به ویژه آنجایی که در ماده اول قانون چگونگی مناطق آزاد ایجاد زیرساخت و اجرای طرح‌های توسعه‌ای به عنوان شرح وظایف این مناطق تعیین شد و این درحالی است که مناطق آزاد در نقاطی تأسیس می‌شوند که دارای زیرساخت باشند و به تعبیری مقداری از شاخص‌های توسعه یافتگی را برای آغاز هر گونه فعالیت اقتصادی ارائه دهند.وی تصریح کرد: در عین حال در قانون منبع مالی و بودجه‌ای برای تأمین هزینه‌های زیرساخت‌های لازم جهت هرگونه فعالیت اقتصادی در مناطق مشخص نشده و از منابعی همچون فروش زمین، اخذ عوارض در ارتباط با خدمات و امکانات ارائه شده از سوی سازمان عامل و به ویژه عوارض بر واردات؛ به عنوان ممرهای درآمدی–هزینه‌ای این سازمان‌ها تعریف شده است.صیادنورد مهم‌ترین تبعات این مدل تأسیس مناطق آزاد در ایران را این گونه خلاصه کرد: نخست، طولانی شدن دوره زمانی ایجاد زیرساخت نسبت به مناطق آزاد رقیب در کشورهای همسایه و حتی مناطق است که از بودجه دولتی در داخل کشور بهره می‌برند، زیرا این مساله منجر به از دست دادن فرصت‌های جذب سرمایه گذار و قابل اعتماد نبودن مناطق آزاد ایران طی دهه‌های گذشته شد (درمسیر جذب شرکت‌های برتر داخلی و خارجی) چرا؟ چون هزینه احداث طرح‌های زیرساختی از چند صد میلیون در دهه ۷۰ تا چند ده میلیارد تومان در دهه ۹۰ ... در قرن جدید در مسیر صعودی بوده است.این کارشناس مناطق آزاد دومین نتیجه ایرانیزه کردن مناطق آزاد را این گونه تشریح کرد: تبعات دیگر این مساله را می‌توان در اتهاماتی مشاهده کرد که برخی افراد سیاسی و مدیران دستگاه‌های دولتی نسبت به عملکرد مناطق، انحراف آن‌ها از تبدیل شدن به سکوی واردات به جای مرکز پردازش و صادرات کالا مطرح می کنند. این موضوع ناشی از منبع درآمدی تعریف شده در این مناطق بوده که صد هزار البته در طول دو دهه ۸۰ و ۹۰، عدم اطمینان سرمایه گذاران نسبت به اجرای قوانین و مقررات مناطق آزاد از سوی نهادهای داخلی و تحریم‌های بین المللی مهم‌ترین عامل در طرح انتقاد وجود انحراف در این بنگاه‌های اقتصادی ارزیابی می‌شود.صیادنورد در گفتگو با اقتصاد ۲۴ ادامه داد: در مسیر تحلیل آنچه بر مناطق آزاد تا سال ۱۴۰۱ رفت، باید تصریح کرد که دولت‌های بعد از مرحوم هاشمی رفسنجانی و مجالس بعد، به دلیل تضادهای موجود در آبشخور فکری، منافع و اهداف سیاسی –اقتصادی خود؛ مناطق آزاد را حیاط خلوت خاندان و تابعین آن مرحوم قلمداد کرده و در نتیجه در بیشتر اوقات مدیرانی از جنس غیرمنطقه آزادی، ناآشنا و به قول سیاسیون، مدیران سوخته و به دور مانده از معادلات تقسیم قدرت و پست در بخش‌های مختلف دولت، در مقاطع تغییر دولت و مجلس، پای در مناطق آزاد کشور گذاشتند.

کج فهمی دولتمردان نسبت به معنای واقعی مناطق آزاد

به گفته این کارشناس مناطق آزاد در ادامه همین کج فهمی نسبت به مفهوم، کاروبژه و کارکردهای مناطق آزاد از سوی نهادهای حکمرانی و بدنه کارشناسی، این مناطق سمبل و نماد اقتصاد لیبرالی تعریف شده و، چون در ادبیات سیاسیون ایرانی، لیبرال و یا نولیبرال، کمتر از خائن و وطن فروش نیست؟! در نتیجه این مناطق از نظر تئوریک و تحلیل‌های کلان، نیز به یک وصله ناجور در اقتصاد و مدیریت منطقه‌ای ایران تبدیل شد.

صیادنورد ادامه داد: این مساله همان موضوعی است که می‌توان در برخورد و عمل نسبت به مناطق آزاد در قالب هایی، چون وارد کردن اتهام قاچاق کالا در و از، ناموفق بودن، تسری قوانین سرزمین اصلی به مناطق و عدم اجرای قوانین و مقررات آن با ابزارهایی همچون تفسیر به رأی علیه حاکمیت قانون مناطق، تعلل در اجرای قانون و ارائه خدمات به فعالان اقتصادی مناطق و... مشاهده کرد.

۳۰ سال غفلت از فرصت مناطق آزاد

این کارشناس مناطق آزاد با اشاره به معلق شدن مزایای قانونی مناطق آزاد گفت: داستان بر همین سبیل نماد! کاروبژه مناطق آزاد از ابزاری برای دور زدن تحریم تا پایلوتی برای اجرای طرح‌های ملی نیز تغییر یافت، تا اینکه از نیمه دوم دهه ۹۰ و با شدت گرفتن تحریم‌های بین المللی شده آمریکا، با عنوان مدیریت اقتصاد کشور در مواجهه با تحریم، نه تنها بخش قابل توجهی از مزایای قانونی مناطق آزاد معلق شد، بلکه شاهد تعمیم‌هایی همچون حضور نهاد ناظر گمرک در مبادی ورودی و خروجی مناطق آزاد بودیم که اساساً مصداق عینی نهادی تحت عنوان مناطق آزاد که در کنوانسیون‌های بین المللی تدقیق شده از معنی ساقط شده، تعمیم قانون مالیات بر ارزش افزوده در کسب و کارهای مناطق و این در حالی است که مناطق آزاد براساس نص قانون از شمول مالیات معاف هستند، تحویل جایگاه دبیرخانه شورایعالی از نهاد ریاست جمهوری به وزارت اقتصاد (براساس تبصره واحده ماده ۲۳ قانون برنامه ششـم) و عملیاتی شدن آن در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ و مصوبه‌های اخذشده از سوی وزیر محترم اقتصاد (در راستای اجرای قانون بودجه و برنامه ششم توسعه) به ویژه تفویض اختیاری که عملاً شورایعالی مناطق آزاد که نهاد ناظر اصلی بر فعالیت‌های مناطق در مسیر اجرای قانون است، دستخوش تغییر شده و عملاً وضعیت و موقعیت مناطق آزاد سال ۱۴۰۱ با سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۰ نه تنها متفاوت است، بلکه گویی از منظر اعمال و اعتبار قانون و مقررات، با دهه اول و دوم حضور خود در سپهر اقتصاد سیاسی و مدل همکاری‌های منطقه‌ای ایران، در حال ارزیابی مناطق آزاد دیگری هستیم.صیادنورد افزود: به موارد ذکرشده باید این مهم را نیز اضافه کرد که اگر پیش از این مناطق آزاد عرصه حضور مدیران سوخته بود، ظرف سال‌های اخیر برای سوزاندن و حذف برخی مدیران، آن‌ها به این مناطق هدایت می‌شوند.

مناطق آزاد را طبق سلیقه خود ساختیم نه طبق اصول جهانی

این کارشناس مناطق آزاد با طرح این پرسش که «چرا به جای نظارت بر اجرای قانون مناطق آزاد و ضمانت بر لزوم اجرای آن، سوی دیگر را نشانه رفته ایم؟» گفت: در حالی که با دبیرانی چون اکبر ترکان و سعید محمد زاویه داشته و دارید (به دلایل مدیریتی و یا شخصیتی) چرا قانون مناطق آزاد را از حیز انتفاع ساقط کردید؟ آیا کسی می‌پذیرد در نظام جمهوری اسلامی ایران، ولی امر آن، عزیزی که دارای جایگاه ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی و باور مردم است، در قالب ماده ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای مناطق آزاد ظرفیت و توانمندی تعریف نماید، اما از بهمن سال ۱۳۹۲، هر قانون و مصوبه‌ای که تصویب و اجرا شده علیه این ماده بوده؟ آیا می‌توان پذیرفت ماده ۶۵ قانون احکام دائمی توسط قانون برنامه ششم توسعه نقض شود؟ آیا کسی به این می‌اندیشد که عدم التزام به قانون و سیاست‌های کلی نظام، با هر دلیل و توجیهی، چه اثرات مخربی بر نظام حکمرانی و اقبال به مناطق آزاد ایران گذاشته و می گذارد؟صیادنورد ادامه داد: عملکرد دستگاه‌های دولتی و قانون گذاری موید یک واقعیت است که ماهیت و رویکرد مناطق آزاد و سازوکارهای حاکم بر آن به همراه برخی افراد، باید تغییر کرده و از این گردونه خارج شـوند، چرا؟ چون ما چنین مناطق آزادی نمی‌خواهیم.

از پس این مناطق آزاد برنمی آییم

این کارشناس مناطق آزاد خاطرنشان کرد: باید اظهار داشت که از قِبَل آنچه بر مناطق آزاد رفت و می‌رود، چه فرصت‌هایی در ایجاد ارزش افزوده برای فعال سازی و بهره برداری از کریدورهای بین المللی، جذب سرمایه گذاران خارجی، ایجاد بلوک‌های همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه برای شکستن حلقه‌های تحریم، دستیابی به شاخص‌های پدافند غیر عامل در نقاط مرزی که دارای اشتراکات قومی–مذهبی با کشورهای همسایه هستند، تقویت نظام حکمرانی محلی و نیروهای بومی به منظور تمرکززدایی از مدل تصمیم گیری در تهران برای کل کشور، تجاری سازی تولیدات کشاورزی، صنعتی و... کشور جهت صادرات به بازارهای منطقه‌ای و در نهایت اجرای اقتصاد بدون نفت در مناطق آزاد داشـته و داریم که از دسـت دادیم و باز هم می‌دهیم.

◆

ازبازگشت ارز ۲۸۵۰۰ تومانی تا تغییر کف خرید ارز صرافی‌ها؛

صرافی‌ها دیگر مجاز به ارایه اسکناس ارز به مردم نیستند

تغییرات جدید در سیاسـتگذاری هـای بازار ارز پیش رو است. ارز ۲۸۵۰۰ تومانی علیرغم سعی و خطای دولت در ماندن یـا نماندن، بعد از مدت کوتاهی دوباره به معادلات اقتصادی ایران بازگشته و از امروز با خبری که از سوی دفتر توسعه صنایع تکمیلی پتروشیمی بر روی سایت بورس کالا قرار گرفته، رنگ جدیدی به خود گرفته است؛ به نحوی که قرار است قیمت پایه محصولات پتروشیمی با نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی محاسبه شود؛ ضمن اینکه به موازات، علاوه بر اینکه بانکها از این پس دیگر به متقاضیان اسکناس ارز نمی دهند و باید وجه آن را در حساب ارزی نزد بانکها به متقاضی تحویل دهند، کف خریـد صرافی ها هم به روزانه ۱۰۰ هزار دلار تغییر یافته است که این خود می تواند تیر خلاصی بر ماندگاری آرامش در بازار ارز باشد.

بخشـنامه های عجیب و غریب در بازار ارز دوباره آغاز شد. البته ماجرا از انتشـار برخی اخبار در فضاهای مجازی به نقل از نزدیکان دولت مبنی بر بازگشت ارز ۲۸۵۰۰ تومانی شروع شد. موضوع از آن قرار بود که در اقدامی از سوی دولت که از آن تعبیر به گام مهم دولت سیزدهم در سال مهار تورم شده، مقرر شد تا نرخ مبنای دلار برای محاسبه قیمت پایه محصولات داخلی از ۳۶۴۸۰ تومان به ۲۸۵۰۰ تومان بازگردد. بر این اسـاس، صبح دیروز هم دفتر توسعه صنایع تکمیلی پتروشیمی، با اعلامیه ای که در سایت بورس کالا هم منتشر شده اعلام کرد که قیمت پایه محصولات پتروشیمیایی برای عرضه در بورس کالا ۲۸۵۰۰ تومان خواهد بود که این خود بازگشـت به عقب در خصوص ماندگاری ارز ۲۸۵۰۰ تومانی به حساب می آید. اما آنچه که بیش از همه نگرانی ها را در بازار ارز به خصوص در میان فعالان این بازار و صرافی های مجاز بالا برده، بخشنامه امروز بانک مرکزی اسـت که بر روی سایت سنا منتشر شده و اعلام می کند که از روز دوشـنبه ۱۴فروردین ۱۴۰۲ روش فروش ارز به صورت اسکناس در سرفصل تامین نیازهای ضروری کد ۵۶ به متقاضیان از روش «پرداخت مستقیم اسـکناس به متقاضی» به روش «واریز به حساب ارزی متقاضی نزد بانکها» تغییر می کند.

در این بخشنامه تاکید شده است که جزئیات فرآیند مذکور به زودی اعلام خواهد شد و صرافی هایی که در روزهای گذشته اقدام به خرید اسـکناس از بازار متشکل ارزی نموده اند، با قید تسریع نسبت به فروش اسکناس های مذکور در سرفصل تامین نیازهای ضروری کد ۵۶ طبق روال قبلی اقدام نموده و وضعیت بـاز ارزی خـود را در روز جاری صفر نمایند.نکته حائز اهمیت دیگری که بسـیاری را نگران کـرده، تعیین کف روزانه خرید صرافی ها است که به صراحت می توان گفت که با تصمیمات جدیدی که بانک مرکزی در نظر گرفته، این کف منجر به بی انگیزگی صرافی‌ها خواهد شد؛ به نحوی که کف خرید روزانه صرافـی ها به ۱۰۰ هزار دلار تغییر کرده که این خود می تواند اثرات منفی بر روی بازار به جای بگذارد. یعنی صراف کف خرید ۱۰۰ هزار دلاری را باید در روز داشته و در همان روز هم تسویه کند که این امر منجر به افزایش قیمت خواهد شد.

نکته حائز اهمیت آن اسـت که این کف حداقل یکصد هزار دلار در حالی اجرایی شـده که در بسیاری از شهرهای کشور بسیاری از صرافی ها تا پیش از این، حتی توانایی خرید رقم کمتر از این مبلغ را نیز نداشـتند و این افزایش عملا تیر خلاص به فعالیت صرافی ها در عمده سراسر کشور و کاهش چشمگیر ارز در سطح بازار مصرف خواهد شد.به گزارش اقتصاد آنلاین، به هر حال پرونده عملکردی بانک مرکزی در ماههای گذشته به خوبی نشان می دهد که این بانک به مبدع روش های نو ارزی در جهان تبدیل شـده چراکه در هیچ کجای دنیا، هیچ صرافی مشتری را اجبار به افتتاح حساب ارزی برای دریافت ارز نخواهد کرد و پس از آن پروسه ای که باید فرد برای دریافت اسکناس به شعبه مراجعه کند را هم سپری نماید. بنابراین به نظر می رسد که اکنون دوباره قدرت در اختیار دلالان قرار می گیرد تا اسکناس ارز را بالاتر از نرخ متعارف به فروش برسانند.از سوی دیگر، زمانی که روش های اعمالی در عرضه ارز اخلال ایجاد نماید، موجب کاهش موجودی اسکناس در کف بازار و افزایش نرخ ارز خواهد شد که این نتیجه حتما از سوی صاحب نظران بانک مرکزی به دلیل وجود تجربیات گذشته قابل پیش بینی است و مشخص نیست چرا مورد بی توجهی قرار می گیرد؟